

Religiosity of the Middle Class in Tehran With Emphasis on the Head of Households

Reza Borhan *
Hasan Saraee **
Seifollah Seifollahi ***

Received: 2018/05/27

Accepted: 2018/07/25

The purpose of this article is to describe the degree of religiosity of breadwinners and heads of middle-class families in Tehran. To do this, we examined the phenomenon as a cultural asset of the middle-class based on Bourdieu's theoretical framework. In order to have a more accurate picture of middle-class religiosity, this social class was divided into three layers of low, medium, and high, based on the household cost and education indexes, then the degree of religiosity of each as a kind of cultural asset was investigated. This has also been measured in another form of grouping that considers belief, worshiping, ritual and consequential dimensions. The research was done by survey method and by questionnaire tool. For this reason a sample of 613 people from the heads of middle-class families in Tehran was selected using PS method.

The results of the survey showed that belief and consequential dimensions are in an inverse proportion to the socioeconomic level of individuals; as individuals above the upper middle class show less religiosity than the middle and lower layers.

There is also an inverse relationship between the two variables of education and household costs and the belief and consequential dimensions. The theoretical framework of the research shows that the consequential aspect of religion as an expression of cultural asset can create a distinction in the middle class.

Keywords: Religiosity, Religiosity Dimensions, Middle Class, Middle Class Layers, Secularism.

* Ph.D Student of Economical & Development Sociology of Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran
borhan.1797@gmail.com

** Professor of Social Science at Allameh Tabataba'i University, hsaraie@yahoo.com

*** Associate Professor of social science at Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran
rped_almizan@yahoo.com

بررسی میزان دین‌داری سرپرستان خانوار طبقه متوسط شهری مورد مطالعه شهر تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۳

رضا برهان*

حسن سرایی**

سیف‌اله سیف‌الهی***

چکیده

هدف این مقاله توصیف دین‌داری سرپرستان طبقه متوسط شهر تهران است. بدین منظور مطابق با چارچوب نظری بوردیو میزان دین‌داری به عنوان سرمایه فرهنگی در ساختار طبقه متوسط مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تصویر دقیق‌تر از دین‌داری طبقه متوسط، این طبقه در سه لایه متوسط بالا، متوسط میانی و متوسط پایین بر اساس دو شاخص هزینه خانوار و تحصیلات دسته‌بندی و میزان دین‌داری به عنوان نوعی از سرمایه فرهنگی در این لایه‌ها بررسی گردید. دین‌داری نیز در چهار بعد اعتقادی، عبادی، مناسکی و پیامدی مورد سنجش قرار گرفت. اجرای این بررسی به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شد. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۶۱۳ نفر و به روش *pps* جهت جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند. نتایج بررسی نشان داد که بعد اعتقادی پاسخگویان در حد بسیار بالایی است ولی سایر ابعاد دین‌داری نسبت به بعد اعتقادی به صورت قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو بعد اعتقادی و پیامدی رابطه معکوس و ضعیفی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد دارد به صورتی که افراد لایه بالای طبقه متوسط میزان کمتری از دین‌داری را نسبت به دو لایه متوسط و پایین از خود نشان می‌دهند. همچنین بین دو متغیر تحصیلات و هزینه خانوار و بعد پیامدی و اعتقادی دین‌داری رابطه معکوسی وجود دارد. چارچوب نظری تحقیق نتایج نشان می‌دهد بعد پیامدی دین‌داری به عنوان نمودی از سرمایه فرهنگی امکان ایجاد تمایز در طبقه متوسط را دارا می‌باشد.

واژگان کلیدی: دین‌داری، ابعاد دین‌داری، طبقه متوسط، لایه‌های طبقه متوسط، سکولاریزم.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

borhan.1797@gmail.com

hsaraie@yahoo.com

rped_almizan@yahoo.com

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

یکی از مسائل مرتبط با جامعه‌شناسی دین که بسیار مورد توجه اندیشمندان این حوزه قرار گرفته گرایش به دین‌داری و سکولاریسم در جوامع مسلمان است. از سوی دیگر با همه توجهی که به این حوزه معطوف گردیده، بررسی دین‌داری در طبقات اجتماعی و به عبارت دیگر توصیف طبقات اجتماعی از زاویه میزان دین‌داری کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. این موضوع در ارتباط با دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه به دلیل تأثیرگذاری زیادی که در تمام حوزه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه دارد و به عنوان رکن اساسی مشروعیت‌بخش ساختار سیاسی محسوب می‌شود، نقشی بی‌بدیل در تنظیم قوانین کشور ایفا می‌کند و به همین دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین میزان دین‌داری طبقه متوسط بیانگر میزان تعهد آنان به نظام سیاسی و حقوقی و نیز فرهنگی جامعه است. این نوع تحقیقات در ارتباط با طبقه متوسط شهری به دلیل آنکه یکی از گسترده‌ترین و تأثیرگذارترین طبقات اجتماعی محسوب شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت به این دلیل است که بسیاری از کارویژه‌های حوزه عمومی و جامعه‌مدنی در قلمروی این طبقه قرار گرفته‌اند. تجمیع خواسته‌های جامعه به‌ویژه خواسته‌های توده مردم و بیان و انتقال آن‌ها به طبقه حاکم از وظایف قطعی این طبقه تلقی می‌شود. با توجه به ابزار و امکانات و ظرفیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی و تکنولوژیکی مدرن و فراوانی که در اختیار طبقه متوسط قرار گرفته این طبقه نقش‌آفرین‌ترین و بلکه عامل اساسی بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در سده اخیر در بسیاری از کشورها بوده است (مهاجرنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

بیان مسئله

دین پدیده‌ای جهانی است و بسیاری از یافته‌های باستان‌شناسان، حضور دین در جوامع ابتدایی را به عنوان انسجام‌دهنده سامان اجتماعی مورد تأیید قرار داده‌اند. مذهب در جوامع سنتی به عنوان یکی از مهم‌ترین ساختارهای نهادی دارای کارکرد جهت‌حفظ انسجام اجتماعی بوده است. تئوری کارکردگرایی نیاز انسان به دین را وابسته به سه خصوصیت ذاتی انسان می‌داند: احتمال^۱، ناتوانی^۲ و کمیابی^۳. احتمال یا عدم اطمینان بر

این امر دلالت دارد که تمام فعالیت‌های انسانی صرف‌نظر از اینکه به چه میزان دقیق برنامه‌ریزی شده و چقدر کارآمد اجرا شود، احتمال شکست و یأس را به همراه دارد. ناتوانی به اختلاف موجود بین تمایل یا انتظارات انسان‌ها با تحقق عینی آن باز می‌گردد و کمیابی به محرومیت ناشی از توزیع متفاوت کالاها و پاداش‌ها در جامعه اطلاق می‌شود (O'Dea, 1996, p5) علاوه بر موارد فوق، دین احساساتی را که به جامعه انسجام می‌بخشد توجیه عقلانی و پشتیبانی کرده و باورداشت‌های همگانی از طریق مناسک دسته‌جمعی، دلبستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید کرده و فراهم‌کننده معنا در برابر جهانی است که پیوسته گرایش به بی‌معنایی دارد (دیویس، ۱۹۴۸ به نقل از همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰).

با ظهور مدرنیته و تغییرات علمی و تکنولوژیکی حاصل از آن، اعتبار مذهب نیز به مرور زمان چه در غرب و چه در شرق دستخوش تغییرات اساسی شد. روند تغییرات مذهبی در غرب را می‌توان از دوران قرون وسطی پیگیری نمود. تمدن قرون وسطایی که ماهیتی اساساً و عمدتاً مسیحی داشت به دنبال ضعف و انحطاط امپراتوری روم در اروپای غربی شکل گرفت. در طول قرون وسطی مسیحیان غرب بدان‌گونه که مذهب کاتولیک برایشان تفسیر می‌نمود با اخلاص دینی شدید و پایبندی اکید به مسیحیت زندگی می‌کردند.

در طی دوره رنسانس با ظهور اومانیزم و فردگرایی مخالفت با استیلای دین به‌طور کلی و علی‌الخصوص سلطه تمدن دینی قرون وسطی برآمد و به نشانه اصلی تمدن جدید تبدیل شد. از سوی دیگر با ظهور مذهب پروتستانتیسم و نهضت اصلاح دین اقتدار کلیسای کاتولیک بیش از پیش تضعیف گردید (نصر، ۱۳۹۰) نتیجه تحولات انجام شده جدایی دین از دولت، در مغرب زمین بود. با ظهور مدرنیته در غرب، دین‌داری در سطح فردی نیز دستخوش تغییرات زیادی شد که البته درباره ماهیت این تغییرات بین جامعه‌شناسان دین توافقی وجود ندارد. بعضی از نظریه‌پردازان مشخصه دنیای مدرن را کاهش اهمیت دین در زندگی خصوصی افراد و نهادهای وابسته به آن دانسته‌اند که یکی از شاخصه‌های اصلی آن کاهش حضور افراد در کلیسا است. مخالفان این رویکرد به‌جای زوال دین‌داری از مذهب فردیت سخن گفته‌اند. استدلال این گروه

از محققان بر شواهدی از رواج بسیاری از عرف‌های خصوصی و فردی خارج از قلمرو دین سازمان‌یافته در جامعه نوین تأکید دارد که طیفی از عبادات خصوصی تا خرافات مذهبی و گوش دادن به برنامه‌های مختلف دینی را در بر می‌گیرد (همیلتون، ۱۳۸۷، صص ۲۸۵-۲۷۹). از سوی دیگر تغییرات ایجاد شده در کاهش نفوذ مذهب چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی کل جامعه را به صورت یکسانی تحت تأثیر قرار نداد. به عنوان مثال بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که طبقات پایین جامعه نسبت به طبقات بالای جامعه هم از لحاظ میزان و هم از لحاظ نوع دین‌داری متفاوت می‌باشند (وبر، ۱۹۶۳) و (نیر، ۱۹۲۹).

روندهای توصیف شده محدود به غرب و مذهب مسیحیت نمانده و جوامع اسلامی را نیز متأثر کرد. فرآیند سکولاریسم در اسلام و جوامع اسلامی نسبت به جوامع غربی با مخالفت‌ها و چالش‌های اساسی روبرو شد که بخشی از آن به دلیل ماهیت دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه است. دین اسلام به‌طور کلی متضمن عناصر نیرومندی از نظارت همه‌جانبه است بدین‌معنی که مدعی نظارت بر ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی است و احکام دقیقی درباره وجوه مختلف زندگی دارد. بنابراین تجزیه مختلف زندگی برای مثال تفکیک حوزه خصوصی از حوزه عمومی، حوزه مقدس از حوزه سکولار و یا حوزه سیاسی از حوزه مذهبی اصولاً در آن متصور نیست. در اسلام هیچ‌گاه میان علائق دنیوی و علائق مذهبی تمییز روشنی ارائه نمی‌شود. دین به معنی راه زندگی و شامل وجوه و ابعاد مختلف تشکیل‌دهنده آن است. هدف اسلام تنها رستگاری فردی نیست بلکه ایجاد، حفظ و همبستگی اجتماعی از غایات عمده آن محسوب می‌شود. آنچه در مورد اسلام گفته شد در رابطه با مذهب شیعه شدیدتر است (بشیریه، ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۵).

با توجه به مسائل مطرح شده از آنجا که اسلام و شیعه دین رسمی و مذهب اغلب ایرانیان است و از خصوصیات اساسی مذهب شیعه جامعیت آن و داشتن دستورالعمل‌های اساسی در حوزه‌های فردی، عمومی و همچنین مشروعیت بخشی به نظام سیاسی است این بررسی هدف خود را به توصیف میزان دین‌داری طبقه متوسط قرار داده است. بدین‌منظور علاوه بر ابعاد فردی دین‌داری، نگرش نسبت به نقش دین در اداره جامعه و یا همان بعد اجتماعی دین‌داری نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت و رابطه میزان

دین‌داری در حوزه فردی و اعتقاد به دین‌داری در ابعاد اجتماعی نیز مورد نظر قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر در این بررسی طبقه متوسط را به صورت کلیت واحدی در نظر نگرفته و ابعاد دین‌داری را در سه لایه پایین، متوسط و بالای طبقه متوسط مورد بررسی قرار خواهیم داد. می‌خواهیم در بین طبقه متوسط شواهدی از دنیاگرایی یا سکولاریسم را تشخیص دهیم تا بدانیم در صورت وجود چنین فرآیندی کدام‌یک از لایه‌های طبقه متوسط گرایش قوی‌تری را نسبت به آن نشان می‌دهند. انتخاب طبقه متوسط شهری در این تحقیق به دلیل کارکرد ویژه‌ای است که این طبقه در نمایندگی خواست جامعه از خود نشان می‌دهد. سؤالات اساسی تشکیل‌دهنده این مقاله به شرح زیر است:

۱. میزان دین‌داری در بین لایه‌های طبقه متوسط شهری چگونه است؟
۲. آیا در بین لایه‌های طبقه متوسط شهری تفاوت معناداری از لحاظ میزان دین‌داری وجود دارد؟
۳. چه رابطه‌ای بین ابعاد دین‌داری طبقه متوسط شهری وجود دارد؟
۴. آیا بین دین‌داری فردی و اعتقاد به بعد اجتماعی دین رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

ماکس وبر از اولین اندیشمندانی که رابطه طبقات و مذهب را مورد توجه قرار داد. او در مطالعه مسیحیت، یهودیت، اسلام، هندوئیسم، بودائیسم، کنفیوسیسم و توئیسم چنین نتیجه‌گیری می‌کند که روابط روشن و قابل مشاهده‌ای بین جایگاه اجتماعی و گرایش به جنبه‌های متفاوت جهان‌بینی دینی وجود دارد. اگرچه این ارتباط به دور از هرگونه جبرگرایی یگانه بود. به بیان دیگر، او یک تنوع بسیار پیچیده را به رسمیت می‌شناخت. با این وجود، این مطالعات وجود ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد طبقات مختلف را آشکار ساخت. وبر نوع دین‌داری طبقات متوسط پایین، دهقانان، بازرگانان و سرمایه‌داران، مأموران حکومتی و دیوان‌سالاران و طبقات جنگجو را بر اساس جایگاهی که در سلسله مراتب اجتماعی دارند و خصوصیات اقتصادی و اجتماعی آن‌ها مورد بررسی قرار داد (نگاه کنید به وبر، ۱۹۶۳).

نگرش وبر نشان می‌دهد که هر طبقه اجتماعی دارای یکسری نیازهای مادی و معنوی است که پاسخ آن‌ها را می‌تواند در حیطه مذهب بیابد. این سخن بدان معنا نیست که اگر فردی را دیدیم که در میان توده یا جزء طبقات بورژواست بخواهیم مذهب او را بر حسب جایگاه اجتماعی‌اش استنباط نماییم. این منطق ماتریالیسم تاریخی است. وبر روش دیگری دارد. او می‌پذیرد که هر طبقه و گروه اجتماعی نیازهایی دارد، اما اینکه این نیازها در هر تمدنی چه پاسخی بیابد، سؤالی است که به قول او پاسخ آن را باید در میدان و زمینه مشخص تحقیق یافت. این نیازها را در دیدگاه وبر می‌توان مانند ظروف خالی نگهداری و طبقه‌بندی کرد. مذهب توده‌ها، مذهب برای توده‌ها، مذهب برای جنگاوران، مذهب طبقات شهری و مذهب روشنفکران (صدری، ۱۳۷۲، ص ۱۳).

اندیشمند دیگری که رابطه طبقات اجتماعی و مذهب را مورد توجه قرار داده است ریچارد نیبر^۵ است. بر خلاف وبر، وی گرایش گروه‌ها به دین را بدون توجه به مذهبشان مورد مقایسه و بررسی قرار داد. او مطالعه خود را بر روی کلیسا متمرکز نمود. با کاربرد مدل کلیسا - فرقه^۶ برای تحلیل، او تفاوت معناداری بین کلیساهای طبقات فرودست و کلیساهای طبقه متوسط یافت. ابتدا، او متوجه شد خصوصیات اخلاقی و روانشناختی متمایزی بین این دو نوع کلیسا وجود دارد. که در پاسخ به نیازهای اعضایشان شکل گرفته است. خصوصیات گروه اول با خصوصیات شوق عاطفی خودجوشی، غیررسمی بودن، سادگی و نمادگرایی ناپخته و رهبری غیر روحانی شناخته می‌شد. آن‌ها گرایشی قوی به هزاره‌گرایی، وعده پاداش ملموس و از بین بردن تمام سلسله‌مراتب نظام فعلی را داشتند. فقرا خصوصیات رادیکال اخلاق انجیلی را بهتر درک کرده و مقاومت بیشتری نسبت به تمایل به مصالحه با اخلاق ساختار قدرت نسبت به برادران خوشبخت خود (طبقات متوسط) دارند. آن‌ها روحیه قوی برابری و برادری، همدلی و کمک دوطرفه، از خود نشان می‌دهند. مطالعه نیبر نشان داد که کلیسای طبقه پایین دارای خصوصیتی متفاوتی از کلیسای طبقه متوسط است. طبقه متوسط نسبت به طبقه پایین الگوی پیچیده‌تری هم از لحاظ ساختار جامعه‌شناختی و هم از لحاظ علائق اجتماعی از خود نشان می‌دهند. افراد طبقه متوسط بیشتر به موضوعاتی از جمله شایستگی‌های انسانی فکر می‌کنند تا نسبت به سرنوشت و خوشبختی.

همچنین مذهب آنان شدیداً دارای خصوصیات فردی است. از نظر این طبقه رستگاری فردی از رستگاری جمعی ارجح‌تر است. در اندیشه آنان هزاره‌گرایی جایگاه ویژه‌ای نداشته که این امر به دلیل موقعیتشان در زندگی اجتماعی است. اخلاق طبقه متوسط با فردگرایی مشخص می‌گردد. رفاه اخلاقی فرد هدف زندگی اخلاقی بوده و نشان آشکار دستیابی به این هدف موفقیت در این جهان است. در نهایت فردگرایی و عمل‌گرایی این طبقه باعث گردیده ساخت کلیسای این طبقه نیز خصلتی دموکراتیک داشته باشد (Niebuhr, 1929, p 30-31).

درحالی‌که نوشته‌های وبر و نیبر دلالت بر تفاوت دین‌داری و الگوهای رفتار و عقاید دینی در طبقات اجتماعی دارد، بوردیو چارچوب تئوریک اقل‌کننده‌ای را در این ارتباط مهیا می‌سازد. کارهای بوردیو در ارتباط با فرهنگ و ارتباط آن با طبقه هم گسترده و هم به خوبی شناخته شده است، نوشته‌های بوردیو در ارتباط با دین کم و منحصر به اوایل دهه ۱۹۷۰ است. استدلال مناسبی وجود دارد که تمام نوشته‌های بوردیو در ارتباط با فرهنگ رابطه‌ای قوی با مطالعه دین دارد. تری ری^۷ اهمیت اصطلاحاتی مانند استحاله^۸، تقدیس^۹، راست دینی^{۱۰} اعتقاد به عدالت خدایی^{۱۱} در تفکر بوردیو که ظاهری سکولار را خاطر نشان می‌سازد (Rey, 2007, p8) خود بوردیو عنوان می‌دارد که جامعه‌شناسی فرهنگ وی در واقع جامعه‌شناسی دین است که برای درک دنیای سکولار تعدیل گردیده است و در این مسیر وی استراتژی را که نخستین بار به وسیله امیل دورکیم توسعه یافته را اقتباس نموده است (Mckinnon, 2013, p203-221)^{۱۲} در تمایز بوردیو چنین بحث می‌کند که طبقه صرفاً موضوعی اقتصادی نیست و دارای ابعاد جدایی‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی است. بوردیو بحثی غنی و نظری را در کتاب تمایز بیان می‌دارد، اما محور استدلال وی کاملاً ساده و روشن است: فرهنگ، محلی برای تعارض بین طبقات و شکاف طبقاتی است (Mckinnon, 2017) طبقه اجتماعی در نظریه بوردیو با واسطه مفهوم مهمی به نام عادت‌واره برخواسته شده است. عادت‌واره در واقع جایگاه درونی شده شرایط طبقاتی و مشروط‌کننده آن است. افرادی که دارای عادت‌واره مشترکی هستند، می‌توانند طبقه عینی را بسازند. طبقه عینی، مجموعه عامل‌هایی هستند که شرایط وجودی مشابهی را دارند، محدودیت‌های مشابهی را

پذیرفته و سیستم‌های خلق و خوی مشابهی ایجاد کرده‌اند که آن‌ها را قادر به انجام اعمال مشابه می‌کند. آن‌ها همچنین دارایی‌های مشترکی در ساختار دارند که شامل دارایی‌های عینی یا دارایی‌های است که به صورت عادت واره تجسم‌یافته‌اند (Bourdieu, 1981: p101^{۱۳}). بوردیو چهار نوع سرمایه را معرفی می‌نماید: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین.

۱. سرمایه اقتصادی: سرمایه‌ای است که مابه‌ازای اقتصادی معینی در میدان‌های مختلف داریم و به عبارت دیگر آن جنبه از یک پدیده که به‌طور مستقیم و فوری قابل تبدیل به پول بوده سرمایه اقتصادی محسوب می‌شود. بدین ترتیب پول نقد، اعتبارات بانکی و دارایی‌های نقدی و غیرنقدی و همچنین تخصص‌ها سرمایه اقتصادی به حساب می‌آید.

۲. سرمایه فرهنگی: به دارایی‌های مجسم‌کننده و ذخیره‌کننده یا تأمین‌کننده ارزش‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که از سه بعد تشکیل می‌شود. بعد تجسم‌یافته شامل قابلیت‌های ذهنی و مهارت‌های عملی و رفتاری است که در باورها و نگرش‌های فرد تجلی می‌یابد. بعد عینیت‌یافته که شامل برخورداری از کالاهای فرهنگی مانند کتاب‌ها، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و ابزارهای موسیقی و مصنوعات فرهنگی تشکیل یافته است. آخرین بعد سرمایه فرهنگی بعد نهادینه شده است که شامل مدارک دانشگاهی و تحصیلی می‌شود.

۳. سرمایه نمادین: مجموعه‌ای از آداب و ابسته به افتخار یا حق‌شناسی است که به یک فرد یا یک گروه تعلق گرفته و افراد آن گروه متوجه آثار این نوع سرمایه آن‌طور که هست نیستند.

۴. سرمایه اجتماعی: او سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می‌دانست که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد. از دیدگاه بوردیو اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (بوردیو، بی‌تا، صص ۱۴-۲۳).

توزیع انواع سرمایه تعیین‌کننده موقعیت طبقاتی فرد در نظام اجتماعی است. به

عبارت دیگر ساخت طبقاتی از ترکیب انواع سرمایه به وسیله گروه‌ها روشن می‌شود. طبقات بالا بیشترین میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را در اختیار دارد. طبقه متوسط میزان کمتری از این انواع را در اختیار داشته و طبقه پایین کمترین مقدار این ترکیب از منابع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد (ترنر، ۱۹۸۵، ص ۵۱۲ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱). از دیدگاه بوردیو سه عامل در سرمایه تأثیر می‌گذارد: (۱) حجم سرمایه، (۲) ترکیب سرمایه و (۳) مسیر. حجم سرمایه به میزان فراوانی نسبی سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود. ترکیب سرمایه دلالت بر ترکیب سه نوع سرمایه را دارد و مسیر بر امکان تحرک طبقاتی با کاربرد انواع سرمایه دلالت دارد. (هال^{۱۴} و نیتز^{۱۵}، ۲۰۰۳، ص ۲۴۸ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳).

تمایز یک چارچوب نظری نه صرفاً برای درک سازماندهی طبقاتی از بالا به پایین، بلکه همچنین برای تشخیص بخش‌های مختلف طبقه به‌ویژه بر اساس نوع و میزان سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در اختیار ما قرار می‌دهد. بنابراین در این چارچوب تئوریکی می‌توان درکی از ستیز طبقاتی درون هر یک از طبقات را متصور شد به عنوان مثال بین کسانی که از لحاظ سرمایه اقتصادی غنی بوده ولی از لحاظ سرمایه فرهنگی منابع محدودی در اختیار دارند با کسانی که منابع اقتصادی محدودی داشته ولی از لحاظ سرمایه فرهنگی منابع قابل توجهی در اختیار دارند (Mckinnon, 2017).

در حالی که مذهب به‌طور عمده در کار بوردیو در زمینه تمایز وجود ندارد، دین را می‌توان به عنوان یکی از جنبه‌های گوناگون فرهنگ به حساب آورد (Geertz, 1973)^{۱۶}؛ Mckinnon, 2002^{۱۷}؛ Guest, 2007، Lynch, 2012^{۱۸}) با این روش تعهدات مذهبی به عنوان نوعی سرمایه فرهنگی محسوب شده و بدین شیوه افراد با ترکیب انواع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جایگاه‌های طبقاتی گوناگون قرار می‌گیرند. چنین تحلیلی پاسخی جالب در ارتباط با سؤال وبر در ارتباط با وابستگی طبقات مختلف اجتماعی و بخش‌های هر طبقه در ارتباط با باور و عمل مذهبی در دوران معاصر فراهم می‌سازد. نظریه بوردیو در ارتباط با تمایز به‌عنوان یکی از ابزارهای تئوریکی کلیدی به منظور مطالعه فرهنگ در پژوهش‌های مرتبط با طبقه به خصوص در انگلستان به‌کار رفته است (Savage, 1995)^{۱۹}؛ Bennett, 2009^{۲۰}؛ Savage, 2013).

در این مطالعه چارچوب تئوریک بورديو مورد استفاده قرار گرفته است. بدین‌شيوه برای بررسی ساختار طبقه متوسط سه نوع سرمایه اقتصادی، نمادین و فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. با استفاده از این رویکرد تئوریک ساختار طبقه متوسط را با ترکیب دو نوع سرمایه اقتصادی و نمادین به سه لایه بالا، متوسط و پایین تقسیم نموده و حجم سرمایه فرهنگی را که در اینجا مراد ما از آن میزان دین‌داری است درون این لایه‌بندی طبقاتی مورد سنجش قرار می‌دهیم. به دو دلیل سنجش سرمایه اجتماعی در این بررسی لحاظ نگردیده است. ابتدا هدف اصلی این تحقیق سنجش میزان دین‌داری (سرمایه فرهنگی) درون طبقه متوسط است. بنابراین بررسی ساختار طبقات اجتماعی به صورت کلی مد نظر این پژوهش نبوده و کاربرد تئوریک نظریه بورديو در این بررسی به ارتباط سرمایه فرهنگی (میزان دین‌داری) و ساختار طبقه متوسط نظر دارد. از سوی دیگر لایه‌بندی طبقه متوسط بسیار متأثر از سرمایه اقتصادی و فرهنگی است که در تعاریف عملیاتی بدان پرداخته می‌شود.

دین‌داری

دین‌داری و دنیوی‌گرایی^{۲۱} دو مفهوم وابسته به یکدیگر است. طبق تعریف مرسوم دنیوی شدن فرآیندهایی را توصیف می‌کند که طی آن‌ها تفکر، عمل و نهادهای دینی اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند. در این تعریف فرض بر این است که می‌توان در تاریخ برهه‌ای را مشخص کرد که این جنبه‌های دین نقش مهمی در زندگی اجتماعی داشته است. همچنین این فرض به‌طور ضمنی بیانگر این نکته است که در فرآیند دنیوی شدن تفکر، عمل و نهادهای دینی اهمیت خود را از دست می‌دهند (گلاسنر، در آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲، ص ۶۶). با توجه به این ارتباط تنگاتنگ ضروری است که ابتدا مفهوم سکولاریزم را به اجمال بررسی نموده و سپس با ارائه مدلی که جهت سنجش دین‌داری به‌کار می‌بریم این فرآیند را در میان طبقه متوسط مورد بررسی قرار دهیم.

شاینر مفهوم کلیدی سکولاریزم را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. افول دین، نهادها، عقاید و نهادهایی که بیش از این مقبول بودند اعتبار و نفوذ

۲. خود را از دست می‌دهند. نقطه اوج سکولار شدن جامعه بدون دین است.
۳. همنوایی با این دنیا: گروه‌های دینی و یا جوامع دینی از ماوراء طبیعی روی برگردانده و بیش از پیش به این دنیا رو می‌آورند.
۴. رهایی جامعه از قید دین: محدود شدن دین به عرصه خصوصی افراد و پدید آمدن دینی کاملاً درونی است که تأثیری بر نهادهای اجتماعی و اعمال جمعی ندارد.
۵. جابجایی باورها و نهادهای دینی: دانش، الگوی رفتار و نهادهایی که قبلاً در حوزه اقتدار متعالی بود به پدیده‌های مخلوق قدرت بشر و در حوزه مسئولیت او تبدیل می‌گردد.
۶. تقدس‌زدایی از عالم: جهان به تدریج جنبه قدسی خود را از دست داده و انسان و طبیعت موضوع تبیین‌های علمی قرار می‌گیرد.
۷. حرکت از جامعه مقدس به جامعه سکولار: در این جامعه تمام تصمیم‌گیری‌ها بر پایه ملاحظات عقلی و فایده‌گرایانه است. (شاینر، ۱۳۸۴، صص ۳۵-۲۲) می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مفهوم کلیدی مستتر در تمامی این ابعاد جدایی نهاد دین از دولت است.

در جوامع اسلامی سکولاریسم با توجه به خصوصیات جامعه اسلامی با دو معنای متفاوت مورد بحث قرار گرفت: در معنای اول تفسیری از اسلام ارائه می‌گردد که پذیرای سکولاریزم باشد. به عنوان نمونه این ادعا مطرح می‌شود که اسلام دینی ناظر به حوزه عمومی و سیاسی نبوده، بلکه ناظر به احوال خصوصی و ارتباط میان انسان و خداست. با توجه به اینکه در این گرایش سکولاریسم، اصل قرار گرفته و اسلام به تناسب آن تفسیر می‌شود واژه سکولار اسلامی متناسب با این گرایش است. در معنای دوم همان‌طور که دموکراسی اسلامی یا مردم‌سالاری اسلامی داریم می‌توانیم سکولاریسم اسلامی نیز داشته باشیم و بنابراین سکولاریسم با اسلام قابل جمع است. به عنوان مثال این‌گونه بیان می‌گردد که سکولاریسم استفاده از دانش و عقل در حیطه سیاست و اجتماع است و اسلام خود در این‌گونه امور به عقل ارجاع داده است (یزدانی مقدم، ۱۳۸۴، صص ۹۶-۷۵).

به منظور سنجش تغییراتی که در حوزه دین‌داری و گرایش جوامع به سکولاریزم،

مدل‌ها و تعاریف گسترده‌ای از سوی جامعه‌شناسان بیان شده است. آگوست کنت سه بُعد جداگانه برای دین بر می‌شمارد. بعد عقلی یا همان اعتقادات جزمی دین، بعد عاطفی که در عبادات و پرستش نمودار می‌گردد و بعد عملی که او آن را نظام می‌نامید. به‌رغم تصریح بعد عاطفی به عنوان یکی از ابعاد سه‌گانه دین، جایگاه و اهمیت آن در اندیشه کنت هم‌تراز ابعاد عقلی و عملی نیست (آرون، ۱۳۷۰، ص ۱۱۶) تعریف لثوبا از دین بسیار نزدیک به کنت است با این تفاوت که وی «بعد اجتماع» را به عنوان بعد چهارم به ابعاد دین‌داری اضافه نموده است. امیل دورکیم نیز با اتخاذ رهیافت «اصالت جمع» فراسوی تجلیات و صور ظاهری آن گام نهاد و افزون بر ابعاد عقیدتی، مناسکی و اخلاقی دین، از «بعد اجتماعی» آن نیز یاد می‌کند (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ص ۳۹).

گلاک و استارک به منظور درک شیوه‌های مختلفی که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کنند چارچوبی چندبعدی از دین‌داری معرفی نمودند. به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی به‌رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، دارای حوزه‌های کلی هستند که دین‌داری در آن‌ها جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آن‌ها را به مثابه ابعاد اصلی دین‌داری در نظر گرفت عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی (گلاک و استارک^{۲۲}، ۱۹۶۵، صص ۱۸-۳۷ به نقل از سراج زاده، پویافر، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

- بعد اعتقادی باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند.
- بعد مناسکی: اعمال دینی مشخص نظیر عبادات، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به‌جا آورند.
- بعد فکری و دانش دینی: اطلاعات و دانش اساسی در مورد عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود پیروان آن‌ها را بدانند.
- بعد تجربی دین (عواطف دینی) تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است ظاهر می‌شود.
- بعد پیامدی: به پیامد و آثاری که اعتقادات دینی در زندگی اجتماعی افراد می‌گذارد معطوف است.

آیت‌الله جوادی آملی با تمیز دین الهی از دین انسانی، دین الهی و دین مبتنی بر وحی را متشکل از سه بعد اصلی می‌داند. از نظر ایشان عقاید (باور و اعتقاد به حقایق و واقعیت‌های جهان هستی بر اساس توحید)، اخلاقیات (تعالیمی که فضائل و رذایل اخلاقی را به انسان نشان می‌دهد) و شریعت مناسک و احکام و مقررات (روابط فرد با خود، با خدا و دیگران) را به عنوان ابعاد سه‌گانه دین معرفی می‌نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، صص ۲۷-۲۸).

از نظر شجاعی زند دین در کامل‌ترین صورت آن، متضمن پاسخ‌گویی به تمامی نیازها و ابعاد وجودی انسان است. از نظر وی قابل دفاع‌ترین الگوی مطرح شده از ابعاد دین اسلام، الگوی پنج بعدی «اعتقادات»، «ایمانیات»، «عبادیات»، «اخلاقیات» و «شرعیات» است (شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵).

در این بررسی با بررسی شاخص‌های مطرح شده در هر مدل، چهار بعد اعتقادی، عبادی، مناسکی و بعد پیامدی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بعد پیامدی با توجه به مباحث مطرح شده توسط دورکیم و آیت‌الله جوادی آملی پیامدهای اجتماعی دین را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

رابطه بین مذهب و طبقات اجتماعی در بسیاری از پیمایش‌های ملی در کشورهای اروپایی و آمریکایی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات مؤسسه پیو^{۲۳} نشان می‌دهد هرچه ثروت یک کشور افزایش می‌یابد سطح دین‌داری آن کشور کاهش می‌یابد. اگرچه این نتیجه‌گیری شامل استثنائاتی نیز می‌گردد که نمونه بارز آن کشور ایالات متحده است که در هر دو شاخص ثروت و دین‌داری بالا می‌باشد. تحلیل‌های این مؤسسه همچنین بیانگر آن است که در درون هر کشور نیز افراد ثروتمند اغلب کمتر مذهبی هستند. در تحلیل‌هایی که در مورد طبقه متوسط در سطح جهانی صورت گرفته نشان می‌دهد که طبقه متوسط به احتمال کمتری نسبت به طبقات پایین اعتقاد به خدا را برای داشتن اخلاق ضروری دانسته‌اند. این الگو به خصوص در کشورهای کاتولیک غالباً قوی است. به عنوان مثال ۶۰ درصد طبقه متوسط آرژانتین عنوان داشته‌اند برای آنکه

انسانی اخلاقی باشد و ارزش‌های انسانی را رعایت نماید ایمان به خدا ضروری نیست. در حالی که ۴۰ درصد افراد با درآمد پایین موافق این دیدگاه می‌باشند (PEW, 2009). مک‌کینون در مطالعه‌ای تئوریک به بررسی چارچوب‌های نظری رابطه طبقات اجتماعی و دین‌داری پرداخته است. از نظر وی چارچوب نظری که بورديو در تمایز ارائه می‌نماید چارچوب نظری مناسبی برای بررسی رابطه میزان دین‌داری در طبقات اجتماعی مهیا می‌سازد (Mckinnon, 2017^{۲۴}).

در بررسی شجاعی زند و همکاران (۱۳۸۵) دین‌داری دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی دین‌داری را در ۵ بعد اعتقادی، بعد ایمانی، عبادی، اخلاقی و متشرع بودن مورد سنجش قرار داد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان پایبندی دانشجویان به ابعاد مختلف دین‌داری از پراکندگی قابل توجهی برخوردار است. بیشترین میزان دین‌داری مربوط به اعتقادات دینی و اخلاق و تکالیف فردی و کمترین میزان دین‌داری مربوط به عبادات جمعی و عبادات فردی است. بر اساس نتایج این بررسی ۴۵.۲۵ درصد از دانشجویان دارای دین‌داری متوسط ۴۱.۵ درصد دارای دین‌داری کم، و ۱۳.۲۵ درصد دارای دین‌داری زیاد بوده‌اند.

در بررسی سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در ارتباط با دین‌داری و مدارای اجتماعی دانشجویان، چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که ۱۳.۱ درصد از نوجوانان دارای دین‌داری پایین، ۳۳.۷ درصد دارای دین‌داری متوسط و ۵۳ درصد دارای دین‌داری بالا می‌باشند.

در بررسی مرجایی (۱۳۸۰) وضعیت دین‌داری دانشجویان با تأکید بر بعد فردی دین‌داری مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی ۴ عامل دین و سیاست، تعامل دین و دنیا، دین و علمای دینی و تکثرگرایی مورد سنجش قرار گرفت. بر اساس نتایج این بررسی جهت‌گیری سکولاریستی دانشجویان به ترتیب ۳.۶۵ درصد، ۱۶ درصد، ۴۳.۵ درصد و ۴۸.۶ درصد ارزیابی شده است.

در پژوهش میرزاپوری (۱۳۹۴) تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین بر دین‌داری فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. دین‌داری در ابعاد مختلف اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، عبادی و تکلیفی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد با افزایش پایگاه اقتصادی و اجتماعی

میزان دین‌داری فرزندان کاهش می‌یابد.

تحقیقات مرور شده نشان‌دهنده آن است که اولاً افراد در پایگاه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی دارای دیدگاه‌های متفاوت مذهبی می‌باشند و افراد در طبقات بالای اجتماعی نسبت به طبقات پایین اجتماعی میزان کمتری از مذهبی بودن را از خود نشان می‌دهند. همچنین پژوهش مک‌کینون چارچوب تئوریک مناسبی را برای بررسی رابطه طبقات اجتماعی و میزان دین‌داری مهیا می‌سازد. مطالعات داخلی انجام شده نیز کاربرد الگوی چند بعدی از دین‌داری را نشان می‌دهد که در این بررسی نیز ابعاد سه‌گانه دین‌داری مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات مرور شده نشان می‌دهد که دین‌داری درون طبقات اجتماعی کمتر مورد بررسی قرار گرفته که این بررسی این مهم را مد نظر قرار داده است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس هدف تحقیق کاربردی و شناختی بوده و نحوه گردآوری داده‌ها از روش پیمایش است. جامعه مورد بررسی این پژوهش را سرپرستان طبقه متوسط شهر تهران تشکیل می‌دهد که این اطلاعات در مردادماه ۱۳۹۶ و در سطح شهر تهران با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد. ساخت طبقاتی بسیار تحت تأثیر شغل بوده و بسیاری از مدل‌هایی که به بررسی ساختار طبقاتی می‌پردازند این متغیر را به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند. در این‌جا نیز شغل مبنای تعیین طبقه متوسط قرار گرفت. طبق اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵، هم‌اکنون تعداد افراد شاغل در هر خانوار کمتر از یک نفر و به میزان ۹ دهم نفر است. و با توجه به آنکه ۸۴/۲ درصد شاغلان کشور مردان و ۱۵/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس متغیر شغل طبقه در ایران تحت تأثیر شغل و درآمد مردان است. بدین دلیل جامعه مورد بررسی این تحقیق را مردان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند. بر اساس سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۹۰ شهر تهران متشکل از ۲/۵۸۵/۴۶۴ خانوار است. از آنجا که تخمین دقیقی از میزان سرپرستان خانوار شهر تهران در دست نبود، لذا مبنای نمونه‌گیری کل سرپرستان خانوار تعیین گردید که با این کار دقت نمونه‌گیری نیز افزایش یافت.

نمونه‌گیری این پژوهش به روش $pps^{۲۵}$ انجام گردید. pps یک نمونه‌گیری دو مرحله‌ای خوشه‌ای است که در مرحله اول احتمال انتخاب هر خوشه (یا بلوک در این تحقیق) متناسب با اندازه آن است، بدین صورت که خوشه‌های بزرگ‌تر، متناسب با حجم بزرگ‌ترشان، نسبت به خوشه‌های کوچک‌تر از احتمال بیشتری برای انتخاب شدن برخوردار می‌شوند. سپس، در مرحله دوم نمونه‌گیری تعداد واحدها نهایی مشاهده (یا خانوار و رئیس خانوار در این تحقیق) در هر خوشه انتخاب شده در مرحله اول مساوی خوشه‌های دیگر انتخاب شده در آن مرحله است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، شهر تهران شامل ۳۲۷۷۴ بلوک است که در مرحله اول از این تعداد ۱۲۳ بلوک به این روش انتخاب گردید سپس، در مرحله دوم در هر بلوک تعداد ۵ خانوار به روش سیستماتیک انتخاب شد.

برای برآورد حجم نمونه ابتدا فرض کردیم نمونه تصادفی ساده است و با استفاده از «فرمول کوکران» که برای برآورد حجم نمونه در نمونه‌گیری تصادفی ساده تدوین شده است نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ خانوار را برآورد کردیم. سپس، با این فرض که واریانس نمونه‌ای یک نمونه خوشه‌ای دو مرحله‌ای به شیوه pps تقریباً یک و نیم برابر یک نمونه تصادفی ساده با همان حجم باشد، به تعبیر دیگر «تأثیر طرح»^{۲۶} مساوی ۱.۵ باشد، حجم نمونه را در حدود ۶۰۰ خانوار برآورد نمودیم.

همان‌گونه که عنوان شد مبنای انتخاب سرپرستان خانوار طبقه متوسط شغل افراد تعیین گردید. بدین منظور گروه‌بندی‌های اصلی شغلی و عناوین شغلی که توسط سازمان بین‌المللی کار ارائه شده و توسط مرکز آمار ایران در مورد مشاغل کشور ایران ترجمه و تطبیق داده شده است مبنای انتخاب طبقه متوسط قرار گرفت. از این لیست مشاغل که با عنوان isco88 منتشر شده است گروه کارگران و مشاغل حرفه‌ای سطح بالا به عنوان مشاغل کارگری و مشاغل طبقه بالا کنار گذاشته شد و سایر گروه‌های شغلی مبنای انتخاب طبقه متوسط قرار گرفته و به پرسشگران در مورد نحوه انتخاب افراد حائز شرایط آموزش‌های لازم داده شد نهایتاً از ۶۱۳ پرسشنامه جمع‌آوری شده تعداد ۵۹ پرسشنامه‌ای که مخدوش بوده و یا سرپرستان خانوار اشتباه انتخاب شده بودند کنار گذاشته شد و ۵۵۴ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت.

تعریف عملیاتی طبقه متوسط

طبقه متوسط در قرن ۱۹ به طبقه ثروتمندان و کارآفرینانی اشاره داشت که در جایی میان زمین‌داران از یک طرف و کارگران کشاورزی و شهری از طرف دیگر قرار می‌گرفتند. ولی در قرن بیستم طبقه متوسط را شامل دو گروه طبقه متوسط قدیم و جدید دانسته‌اند. طبقه متوسط قدیم از عمده‌ترین قشربندی‌های اجتماعی - اقتصادی در جوامع ماقبل صنعتی است که عمدتاً از تجار خرده‌پا، صاحبان مشاغل اقتصادی کوچک، زارعان، کشاورزان، صاحبان مشاغل آزاد، کسبه و پیشه‌وران موفق، متخصصان مستقل (آزاد)، وکلا و حقوق‌دانان و امثالهم تشکیل یافته است. طبقه متوسط جدید به «مشاغل یقه سفیدی» اطلاق می‌شود که از مشاغل نسبتاً یکنواخت و غیرماهرانه دفتری تا مشاغل حرفه‌ای را دربر می‌گیرد (آوتویت، باتامور، ۱۳۹۲، ص ۶۲۹) در این بررسی از مدل EGP که شامل ۱۱ طبقه است جهت تعیین طبقه متوسط بهره گرفته شد. بر اساس این طرح واره طبقات II، IIIa، IIIb به عنوان مشاغل طبقه متوسط جدید و طبقات IVa و IVb به عنوان طبقات متوسط قدیم دسته‌بندی می‌گردند (لایسنفورد^{۲۷}، بیزن^{۲۸}، سولهیم^{۲۹}، ۲۰۱۰). از آنجا که در این بررسی سطح مهارت پاسخگویان متغیر مورد بررسی نبود لذا گروه‌های II، IIIa، IIIb را تنها به تفکیک بخش دولتی و خصوصی به شرح زیر از یکدیگر تفکیک نمودیم.

حقوق بگیران بخش دولتی: شامل افرادی که در گروه‌های II، IIIa، IIIb قرار داشته و در بخش دولتی مشغول به فعالیت هستند. حقوق بگیران بخش خصوصی: شامل افرادی که در گروه‌های II، IIIa، IIIb قرار داشته و در بخش خصوصی مشغول به فعالیت هستند. همچنین با توجه به آنکه تعداد افراد تحت استخدام تفاوت معناداری در روابط کار ایجاد می‌نماید لذا با مشورت افراد صاحب‌نظر گروه‌های IVa و IVb را بر اساس افراد تحت استخدام به دو گروه کارفرما و خوداشتغال به شرح زیر تقسیم نمودیم.

گروه کارفرما شامل افرادی که در گروه‌های IVa و IVb بوده و ۵ نیروی کار و بیشتر در استخدام دارند. خوداشتغال شامل افرادی که در گروه‌های IVa و IVb بوده و کمتر از ۵ کارمند در استخدام دارند.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی EGP از طبقات اجتماعی

طبقات	نام	مثال‌ها
I	طبقه خدماتی	حرفه‌ای‌های رتبه بالا، مدیران و مقامات رسمی، مدیران صنایع و بنگاه‌های بزرگ (طبقه بالا)
II	طبقه خدماتی	حرفه‌ای‌های رتبه پایین، تکنسین‌های رتبه بالا، مدیران در بنگاه‌ها و صنایع کوچک، سرپرستان کارکنان غیر یدی (طبقه بالا)
IIIa	مشاغل غیر یدی معمولی	کارمندان غیر یدی معمولی رتبه بالا، مدیران و تجار (طبقه متوسط)
IIIb	مشاغل غیر یدی معمولی	مشاغل غیر یدی معمولی رتبه پایین شامل فروشندگان و خدماتی‌های رتبه پایین. (طبقه متوسط)
Iva	خویش‌فرماهای دارای کارمند	مالکان کوچک و صنعت‌گران و صاحبان مشاغلی که دارای کارمند می‌باشند. (طبقه متوسط)
IVb	خویش‌فرماهای بدون کارمند	مالکان کوچک و صنعت‌گران بدون کارمند (طبقه متوسط)
IVc	خویش‌فرماها در مناطق روستایی	
V	ناظران یدی	ناظران یدی، تکنسین‌های رتبه پایین، ناظران کارگران یدی، که در انتهای پایین طبقه متوسط قرار می‌گیرند. (طبقه کارگر)
VI	کارگران حرفه‌ای	طبقه کارگر
VIIa	کارگران غیر ماهر	کارگران غیر ماهر به جز کشاورزان
VIIb	کارگران کشاورزی	کارگران مزرعه

(لایسفورد، بیزن، سولهیم، ۲۰۱۰)

در این بررسی تعریف عملیاتی طبقه متوسط به شرح زیر و بر اساس نوع اشتغال به شرح زیر تعریف گردیدند.

از آنجا که در این بررسی سطح مهارت پاسخگویان متغیر مورد بررسی نبود لذا گروه‌های II، IIIa، IIIb را تنها به تفکیک بخش دولتی و خصوصی به شرح زیر از یکدیگر تفکیک نمودیم.

حقوق بگیران بخش دولتی: شامل افرادی که در گروه‌های II، IIIa، IIIb قرار داشته و در بخش دولتی مشغول به فعالیت هستند. حقوق بگیران بخش خصوصی: شامل افرادی که در گروه‌های II، IIIa، IIIb قرار داشته و در بخش خصوصی مشغول به فعالیت هستند.

همچنین با توجه به آنکه تعداد افراد تحت استخدام تفاوت معناداری در روابط کار ایجاد می‌نماید لذا با مشورت افراد صاحب‌نظر گروه‌های IVa و IVb را بر اساس افراد تحت استخدام به دو گروه کارفرما و خود اشتغال به شرح زیر تقسیم نمودیم. گروه کارفرما شامل افرادی که در گروه‌های IVa و IVb بوده و ۵ نیروی کار و بیشتر در استخدام دارند. خود اشتغال شامل افرادی که در گروه‌های IVa و IVb بوده و کمتر از ۵ کارمند در استخدام دارند.

شاخص‌های تشکیل‌دهنده پرسشنامه شامل گویه‌های محقق ساخته است که پس از پیش‌آزمون اصلاحات لازم بر روی پرسشنامه اعمال گردید و اطلاعات توسط پرسشگران آموزش دیده جمع‌آوری شد.

تعریف عملیاتی دین‌داری

دین‌داری در این بررسی در چهار بعد اعتقادی، عبادی، مناسکی و پیامدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. گویه‌های تشکیل‌دهنده بعد اعتقادی شامل موارد زیر است:

- اعتقاد دارم خدا وجود دارد و بر اعمال ما ناظر است.
- به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارم.
- به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنم.
- خواندن نمازهای روزانه برای همه مسلمانان واجب است.
- گرفتن روزه‌های ماه رمضان برای تمامی افراد واجد شرایط واجب است
- زنان مسلمان باید موهای خود را به صورت کامل از نامحرمان بپوشانند.
- گویه‌های تشکیل‌دهنده بُعد عبادی از دو گویه زیر تشکیل یافته است:
 - خواندن نمازهای یومیه
 - گرفتن روزه‌های ماه رمضان
- گویه‌های تشکیل‌دهنده بُعد مناسکی شامل گویه‌های زیر است:
 - شرکت در نماز جماعت
 - شرکت در مراسم مذهبی

گویه‌های تشکیل‌دهنده بُعد پیامدی را گویه‌های زیر تشکیل می‌دهد:

- انسان‌ها بدون دین قادر به اداره جامعه خود نیستند.
- احکام الهی فاقد زمان و مکان بوده و در هر جامعه‌ای به صورت یکسان قابل اجرا است.
- مبنای سیاست و حکومت در کشور باید بر اساس دین و دستورات دینی باشد.
- جامعه‌ای سعادتمند است که دارای یک حکومت دینی باشد.
- قوانین الهی ظرفیت بالایی را برای اداره جامعه دارد اما می‌بایست متناسب با زمان و مکان تعبیر و تفسیر شوند.

پایایی^{۳۰}

قابلیت اعتماد که واژه‌هایی مانند پایایی، ثبات و اعتبار برای آن به‌کار برده می‌شود. مفهوم یادشده با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به‌دست می‌دهد. از جمله تعریف‌هایی که برای قابلیت اعتماد ارائه شده است می‌توان به تعریف ارائه شده توسط ایبل و فریسبی (۱۹۸۹) اشاره کرد: «همبستگی میان یک مجموعه از نمرات و مجموعه دیگری از نمرات در یک آزمون معادل که به صورت مستقل بر یک گروه آزمودنی به‌دست آمده است». یکی دیگر از روش‌های محاسبه قابلیت اعتماد استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به‌کار می‌رود که مقداری بین صفر و یک است. آلفای کرونباخ برای دین‌داری مقدار ۰.۹۱۴ است که نشان‌دهنده پایایی سنج به‌کار رفته می‌باشد.

روایی^{۳۱}

مفهوم اعتبار یا روایی به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت. ابزار اندازه‌گیری ممکن است برای

اندازه‌گیری یک خصیصه ویژه دارای اعتبار باشد، درحالی‌که برای سنجش همان خصیصه بر روی جامعه دیگر از هیچ‌گونه اعتباری برخوردار نباشد. به منظور سنجش روایی شاخصه‌های دین‌داری از آزمون تحلیل عاملی استفاده شد. آزمون kmo مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی را مشخص می‌نمایند که برای متغیرهای مورد بررسی به میزان ۰.۹۰۷ محاسبه شده که نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی ۱۶ متغیر مورد بررسی سه عامل را مشخص می‌نماید که این سه عامل در مجموع ۶۷.۴۳ واریانس کل را محاسبه می‌نمایند.

جدول شماره ۲- ماتریس چرخش‌یافته تحلیل عاملی دین‌داری

Component			موضوع
۳	۲	۱	
	.۷۹۱		انسان‌ها بدون دین قادر به اداره جامعه خود نیستند.
	.۶۷۰		احکام الهی فاقد زمان و مکان بوده و در هر جامعه‌ای به صورت یکسان قابل اجراست.
	.۸۳۵		مبنای سیاست و حکومت باید بر اساس دین و دستورات دینی باشد.
	.۸۰۴		جامعه‌ای سعادتمند است که دارای یک حکومت دینی است.
	.۷۱۲		قوانین الهی ظرفیت بالایی برای اداره جامعه دارد ولی باید متناسب با زمان و مکان تفسیر شود.
		.۷۴۷	اعتقاد دارم خدا وجود دارد و بر اعمال ما ناظر است.
		.۷۹۴	به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارم
		.۷۵۰	به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنم
		.۷۸۰	خواندن نمازهای روزانه برای تمام مسلمانان واجب است.
		.۷۶۸	گرفتن روزه‌های ماه رمضان برای تمامی افراد واجد شرایط واجب است.
		.۵۹۱	زنان مسلمان باید موهای خود را به صورت کامل از نامحرمان پوشانند.
.۵۹۵			خواندن نمازهای یومیه.
.۸۴۰			شرکت در نماز جماعت.
.۷۹۶			شرکت در مراسم مذهبی.
.۶۷۸			گرفتن روزه‌های ماه رمضان.
	.۷۹۱		صرف نظر از اجرای اعمال مذهبی چه میزان خود را فردی مذهبی به شمار می‌آورید.

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۱۶ متغیر فوق در ۳ عامل تقلیل

می‌یابند. عامل اول بعد اعتقادی، عامل دوم بعد پیامدی و عمل سوم بعد مناسکی دین‌داری است که ما آن را در تحلیل‌ها به دو بعد عبادی و بعد مناسکی تفکیک می‌نماییم. عامل اول ۲۳ درصد، عامل دوم در حدود ۲۲ درصد و عامل سوم نیز در حدود ۲۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نماید. با توجه به آنکه گویه‌های طراحی شده از لحاظ نظری کاملاً منطبق با ابعاد عاملی استخراج شده از سؤالات است می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است.

یافته‌های تحقیق

لایه‌بندی طبقه متوسط:

به‌منظور لایه‌بندی طبقه متوسط، متغیرهای تحصیلات، درآمد و هزینه خانوار مورد بررسی قرار گرفته و سپس وضعیت دین‌داری در این لایه‌های اقتصادی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

توزیع پاسخگویان بر مبنای سن:

از لحاظ متغیر سن ۳۳/۹ درصد از پاسخگویان در گروه سنی کمتر از ۴۰ سال، ۳۴/۵ درصد در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱۸/۵ درصد در بین ۵۰ تا ۶۰ سال و ۱۳/۱ درصد بالای ۶۰ سال قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان بر مبنای سن

سن	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کمتر از ۴۰ سال	۱۸۴	۳۳/۲	۳۳/۹	۳۳/۹
بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۱۸۷	۳۳/۸	۳۴/۵	۶۸/۵
بین ۵۱ تا ۶۰ سال	۱۰۰	۱۸/۱	۱۸/۵	۸۶/۹
بیش از ۶۰ سال	۷۱	۱۲/۸	۱۳/۱	۱۰۰
جمع	۵۴۲	۹۷/۸	۱۰۰	
داده‌های گمشده	۱۲	۲/۲		
جمع	۵۵۴	۱۰۰		

توزیع پاسخگویان در گروه‌های عمده شغلی:

۱۶/۱ درصد از پاسخگویان این بررسی در گروه کارفرما، ۲۶/۲ درصد در گروه

حقوق بگیر بخش دولتی، ۲۴/۱ درصد در گروه حقوق بگیر بخش خصوصی و ۳۳/۶ درصد در گروه خود اشتغال قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان در گروه های عمده شغلی

تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۸۷	۱۵/۷	۱۶/۱	۱۶/۱
۱۴۲	۲۵/۶	۲۶/۲	۴۲/۳
۱۳۱	۲۳/۶	۲۴/۱	۶۶/۴
۱۸۲	۳۲/۹	۳۳/۶	۱۰۰
۵۴۲	۹۷/۸	۱۰۰	
۱۲	۲/۲		
۵۵۴	۱۰۰		

توزیع پاسخگویان بر مبنای هزینه خانوار:

به دلیل حساسیت‌های موجود نسبت به بیان درآمد خانوار، به جای درآمد، هزینه خانوار سؤال شد. بر اساس هزینه خانوار ۳۵/۱ درصد پاسخگویان در گروه هزینه‌ای پایین، ۴۸/۳ درصد در گروه هزینه‌ای متوسط و ۱۶/۶ درصد در گروه هزینه‌ای بالا قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۵- توزیع پاسخگویان بر مبنای هزینه خانوار

تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۹۰	۳۴/۳	۳۵/۱	۳۵/۱
۲۶۲	۴۷/۳	۴۸/۳	۸۳/۴
۹۰	۱۶/۲	۱۶/۶	۱۰۰
۵۴۲	۹۷/۸	۱۰۰	
۱۲	۲/۲		
۵۵۴	۱۰۰		

توزیع پاسخگویان بر مبنای تحصیلات:

بر اساس نتایج به دست آمده ۵۸/۶ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی زیر

لیسانس و ۴۰/۶ درصد نیز دارای مدرک لیسانس و بالاتر می‌باشند. بیشترین مدرک تحصیلی دیپلم و لیسانس می‌باشد.

جدول شماره ۶- توزیع پاسخگویان بر مبنای تحصیلات^{۳۲}

تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۸۷	۱۵/۷	۱۶	۱۶
۱۵۹	۲۸/۷	۲۹/۲	۴۵/۲
۷۳	۱۳/۲	۱۳/۴	۵۸/۶
۱۵۲	۲۷/۴	۲۷/۹	۸۶/۶
۶۱	۱۱	۱۱/۲	۹۷/۸
۱۲	۲/۲	۲/۲	۱۰۰
۵۴۴	۹۸/۲	۱۰۰	
۱۰	۱/۸		
۵۵۴	۱۰۰		

توزیع پاسخگویان بر مبنای اعتقاد به ابعاد دین‌داری:

جدول زیر توزیع فراوانی ۴ بعد دین‌داری را نشان می‌دهد. نتایج مشخص می‌نمایند که بیشترین میزان دین‌داری در بعد اعتقادی پاسخگویان مشاهده شده است.

جدول شماره ۷- توزیع پاسخگویان بر مبنای اعتقاد به ابعاد دین‌داری

بسیار قوی	تا حدودی قوی	تا حدودی ضعیف	بسیار ضعیف
۷۴.۲	۱۶.۹	۶.۷	۲.۲
۴۵	۱۷.۴	۲۳.۹	۱۳.۷
۲۰.۵	۳۳.۶	۳۲	۱۳.۹
۲۳.۴	۲۹.۶	۳۱.۶	۱۵.۴

در مجموع ۹۱.۱ درصد پاسخگویان دارای بعد اعتقادی قوی می‌باشند. پس از بعد اعتقادی بعد عبادی دین‌داری قرار دارد و ۶۲.۴ درصد در این بعد دین‌داری قوی ارزیابی می‌گردند. بعد مناسکی در رتبه بعدی ابعاد دین‌داری قرار داشته و ۵۴.۱ درصد

در این بعد دین‌داری قوی می‌باشند. بعد اجتماعی ضعیف‌ترین بعد دین‌داری بوده و ۵۳ درصد از پاسخگویان در این بعد دین‌داری قوی ارزیابی شده‌اند.

همبستگی ابعاد دین‌داری:

جدول شماره ۸: همبستگی ابعاد دین‌داری

ابعاد دین‌داری	بعد اعتقادی	بعد عبادی	بعد مناسکی	بعد پیامدی
بعد اعتقادی	۱	۰.۶۱۶	۰.۵۴۳	۰.۴۵۴
بعد عبادی		۱	۰.۸۵۳	۰.۴۴۴
بعد مناسکی			۱	۰.۵۴۳

بر اساس نتایج این جدول، قوی‌ترین رابطه موجود بین دو بعد عبادی و بعد مناسکی وجود دارد. این بدان معناست که هرچه افراد در اجرای عبادات نماز و روزه قوی‌تر باشند به احتمال بیشتری در مناسک دینی شامل نماز جماعت و مراسم مذهبی شرکت می‌نمایند. ضعیف‌ترین رابطه مشاهده شده بین بعد اعتقادی و بعد پیامدی مشاهده می‌گردد این بدان معناست که بالا رفتن میزان اعتقادات مذهبی به احتمال کمی باعث افزایش دیدگاه مثبت به نقش دین در اداره جامعه می‌باشد. همبستگی بعد اعتقادی و بعد عبادی و همبستگی بعد پیامدی و عبادی نیز مثبت و متوسط ارزیابی شده است.

رابطه بین هزینه خانوار و تحصیلات:

دو متغیر هزینه خانوار و تحصیلات معنی‌دارترین تأثیر را در بین گروه‌های عمده شغلی دارند و بنابراین استفاده از این دو شاخص جهت ساخت متغیر طبقه اجتماعی بیشترین تمایز را می‌تواند در لایه‌های طبقه متوسط ایجاد کند. چنانچه تعداد گروه‌های تشکیل شده زیاد باشد دو مشکل در تحلیل ایجاد می‌شود. ابتدا آنکه تعداد افراد متعلق به هر لایه اندک شده و هرگونه تحلیل و استنتاج آماری را با اشکال مواجه می‌کند. ثانیاً تحلیل گروه‌های زیاد بسیار مشکل بوده و تبیینی را برای محقق به ارمغان نمی‌آورد. با توجه به این موضوع تحصیلات و درآمد را به سه گروه به شرح زیر تقسیم کرده و آن‌ها را در یک جدول تقاطعی با یکدیگر در ارتباط قرار دادیم که بدین صورت نه گروه تشکیل می‌گردد.

جدول شماره ۹- رابطه بین هزینه خانوار و تحصیلات

جمع	تحصیلات				تعداد/ درصد		
	لیسانس و بالاتر	دیپلم و فوق دیپلم	زیر دیپلم				
۱۴۸	۳۳	۷۷	۳۸	تعداد	کمتر از ۲۵۰۰	درآمد	
۳۳.۴	۱۶.۸	۴۰.۵	۶۶.۷	درصد			
۲۱۴	۱۰۰	۹۷	۱۷	تعداد	بین ۲۵۰۰ تا ۴۵۰۰		
۴۸.۳	۵۱.۱	۵۱.۱	۲۹.۸	درصد			
۸۱	۶۳	۱۶	۲	تعداد	بالاتر از ۴۵۰۰		
۱۸.۳	۳۲.۱	۸.۴	۳.۵	درصد			
۴۴۳	۱۹۶	۱۹۰	۵۷	تعداد	جمع		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد			
Spearman correlation				۰.۴۰۹	۰۰۰.		ضریب اسپیرمن

نه گروه تشکیل شده را با منطق زیر در سه قشر بالا، متوسط و پایین تقسیم نمودیم:

۱. طبقه پایین: (درآمد پایین و تحصیلات پایین) + (درآمد پایین و تحصیلات متوسط) + (درآمد متوسط و تحصیلات پایین)
۲. طبقه متوسط: (درآمد پایین و تحصیلات بالا) + (درآمد متوسط و تحصیلات متوسط) + (درآمد متوسط و تحصیلات پایین)
۳. طبقه بالا: (درآمد متوسط و تحصیلات بالا) + (درآمد بالا و تحصیلات متوسط) + (درآمد بالا و تحصیلات پایین)

بر اساس این تعاریف طبقه متوسط در سه لایه پایین، متوسط و بالا قرار گرفت که ساختار آن به شکل جدول صفحه بعد است.

همچنین آماره اسپیرمن محاسبه شده نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه متوسط و معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۰- توزیع فراوانی لایه‌های سه‌گانه طبقه متوسط

تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۳۲	۲۳.۸	۲۹.۸	۲۹.۸
۱۳۲	۲۳.۸	۲۹.۸	۵۹.۶
۱۷۹	۳۲.۳	۴۰.۴	۱۰۰.۰
۴۴۳	۸۰.۰	۱۰۰.۰	
۱۱۱	۲۰.۰		
۵۵۴	۱۰۰.۰		

بر اساس گروه‌بندی انجام شده ۲۳.۸ درصد از طبقه متوسط در لایه پایین، ۲۳.۸ درصد در لایه متوسط و ۳۲.۳ درصد در لایه بالای طبقه متوسط قرار می‌گیرند. متأسفانه در ساخت این نوع طبقه‌بندی‌ها از آنجا که نبود هر یک از اطلاعات در گروه‌ها باعث از بین رفتن سایر متغیرهای هم‌ردیف می‌شود تعداد داده‌های گم شده بالا رفته است.

بررسی رابطه تحصیلات و دین‌داری:

در این قسمت تأثیر تحصیلات بر دین‌داری مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که تحصیلات تنها بر بعد اعتقادی و بعد اجتماعی دین‌داری تأثیرگذار بوده است. که نتایج آن در زیر ارائه شده است:

رابطه تحصیلات و بعد اعتقادی:

جدول شماره ۱۱: رابطه تحصیلات و بعد اعتقادی دین‌داری

تحصیلات		رابطه		
جمع	لیسانس و بالاتر	دیپلم و فوق دیپلم	زیر دیپلم	
۲	۳.۶	۰.۹	۱.۱	بسیار کم
۶.۹	۱۱.۲	۴.۸	۱.۱	تا حدودی کم
۱۶.۵	۱۹.۷	۱۵.۲	۱۱.۵	تا حدودی زیاد
۷۴.۶	۶۵.۵	۷۹.۱	۸۶.۲	بسیار زیاد
Spearman correlation -۰.۱۹۵				آمار توصیفی

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بین تحصیلات و اعتقادات دینی رابطه معکوس و ضعیفی وجود دارد. به عبارتی با افزایش تحصیلات بعد اعتقادی به میزان کمی کاهش

می‌یابد. بر اساس این جدول بیشترین میزان دین‌داری در گروه زیر دیپلم مشاهده می‌گردد به نحوی که ۸۶.۲ درصد این گروه دارای بعد اعتقادی بسیار قوی هستند ولی این مقیاس برای گروه لیسانس و بالاتر ۶۵.۵ درصد و برای گروه دیپلم و فوق دیپلم ۷۹.۱ درصد گزارش گردیده است.

رابطه تحصیلات و بعد پیامدی:

جدول شماره ۱۲: رابطه تحصیلات و بعد پیامدی دین‌داری

تحصیلات					
جمع	لیسانس و بالاتر	دیپلم و فوق دیپلم	زیر دیپلم		
۱۵.۵	۱۶.۶	۱۶.۲	۱۰.۸	بسیار کم	بعد پیامدی
۳۱.۹	۴۰	۳۰.۱	۱۶.۹	تا حدودی کم	
۲۹.۴	۲۵.۹	۳۱.۰	۳۳.۷	تا حدودی زیاد	
۲۳.۲	۱۷.۶	۲۲.۷	۳۸.۶	بسیار زیاد	
Spearman correlation		-۰.۱۷۹	آمار توصیفی		

جدول فوق نشان می‌دهد بین دو متغیر تحصیلات و بعد پیامدی دین‌داری رابطه معکوس و ضعیفی وجود دارد به صورتی که با افزایش تحصیلات بعد پیامدی دین‌داری تا حدودی کاهش می‌یابد. به نحوی که ۵۶.۶ درصد گروه لیسانس و بالاتر دارای بعد پیامدی ضعیف می‌باشند که این درصد برای گروه دیپلم و فوق دیپلم ۴۶.۳ و برای گروه زیر دیپلم ۲۷.۷ درصد مشاهده شده است.

رابطه هزینه خانوار و دین‌داری:

در این قسمت رابطه بین گروه‌های مبتنی بر هزینه خانوار با ابعاد دین‌داری مورد بررسی قرار گرفته شده است. الگوی مشاهده شده در ارتباط با متغیر تحصیلات در ارتباط با هزینه خانوار نیز مشاهده می‌شود بدین معنی که بعد اعتقادی و بعد دین‌داری با افزایش سطح درآمدی تا حدودی کاهش می‌یابد ولی بعد مناسکی و عبادی رابطه‌ای را با این متغیر نشان نمی‌دهد. در ادامه جداول متغیرهای معنا دار گزارش شده است.

رابطه بین هزینه خانوار و بعد اعتقادی:

جدول شماره ۱۳: رابطه بین هزینه خانوار و بعد اعتقادی

هزینه خانوار					
جمع	بالاتر ۴۵۰۰	بین ۲۵۰۰ تا ۴۵۰۰	کمتر از ۲۵۰۰		
۲.۵	۲.۵	۲.۸	۲	بسیار کم	بعد اعتقادی
۷.۴	۲۱.۳	۶.۵	۱.۳	تا حدودی کم	
۱۶.۳	۲۰.۰	۱۸.۵	۱۱.۲	تا حدودی زیاد	
۷۳.۹	۵۶.۳	۷۲.۷	۸۵.۵	بسیار زیاد	
Spearman correlation -۰.۲۳۹				آمار توصیفی	

جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد رابطه‌ای معکوس و تا حدودی ضعیف بین هزینه خانوار و میزان اعتقادات دینی مشاهده می‌شود به صورتی که با افزایش سطح هزینه خانوار، اعتقادات دینی تا حدودی کاهش می‌یابد. به صورتی که ۲۳.۸ درصد گروه درآمدی بالا دارای بعد اعتقادی پایین می‌باشد که این عدد برای گروه درآمدی متوسط ۹.۳ و برای گروه درآمدی پایین ۳.۳ درصد محاسبه گردیده است.

رابطه بین هزینه خانوار و بعد پیامدی:

جدول شماره ۱۴: رابطه بین هزینه خانوار و بعد پیامدی

هزینه خانوار					
جمع	بالاتر ۴۵۰۰	بین ۲۵۰۰ تا ۴۵۰۰	کمتر از ۲۵۰۰		
۱۱.۰	۱۱.۱	۱۱.۷	۹.۹	بسیار کم	بعد پیامدی
۳۲.۵	۴۷.۲	۳۴.۶	۲۲.۰	تا حدودی کم	
۳۳.۷	۳۰.۶	۳۰.۲	۴۰.۴	تا حدودی زیاد	
۲۲.۷	۱۱.۱	۲۳.۴	۲۷.۷	بسیار زیاد	
Spearman correlation -۰.۱۶۹				آمار توصیفی	

بر اساس نتایج جدول شماره ۱۴ رابطه‌ای معکوس و ضعیف بین این دو متغیر مشاهده می‌شود. ۱۱.۱ درصد از گروه هزینه‌ای بالا بعد پیامدی بسیار قوی از خود نشان داده‌اند در صورتی که این عدد برای گروه هزینه‌ای پایین ۲۷.۷ درصد و برای گروه میانه ۲۳.۴ درصد گزارش شده است. به عبارت دیگر ۵۸.۳ درصد گروه بالا بعد پیامدی ضعیف داشته‌اند و این عدد برای گروه میانه ۴۵.۳ درصد و برای گروه پایین ۳۲.۹

درصد محاسبه شده است.

رابطه لایه‌های طبقه متوسط و دین‌داری:

همان‌گونه که در جدول شماره ۱۵ مشاهده می‌شود از تعامل دو شاخص تحصیلات و هزینه خانوار، جامعه بررسی به سه لایه بالا، متوسط و پایین تقسیم گردیدند و ابعاد دین‌داری در این لایه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت همان‌گونه که انتظار می‌رود همانند الگویی که در هزینه خانوار و تحصیلات در مورد ابعاد دین‌داری مشاهده گردید در اینجا نیز لایه‌های طبقه متوسط در ابعاد اعتقادی و پیامدی دارای تفاوت معناداری با یکدیگر می‌باشند که در ادامه جداول مربوطه ارائه شده است:

جدول شماره ۱۵- رابطه لایه‌های طبقه متوسط و بعد اعتقادی

لایه‌های طبقه متوسط					
جمع	بالا	متوسط	پایین		
۲.۳	۳.۴	۲.۳	۰.۸	بسیار کم	بعد اعتقادی
۷.۵	۱۴.۱	۴.۵	۱.۵	تا حدودی کم	
۱۵.۹	۱۹.۲	۱۶.۷	۱۰.۶	تا حدودی زیاد	
۷۴.۴	۶۳.۳	۷۶.۵	۸۷.۱	بسیار زیاد	
Spearman correlation			-۰.۲۴۱	آمار توصیفی	

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین لایه‌های طبقه متوسط و بعد اعتقادی دین‌داری رابطه معکوس و ضعیفی وجود دارد. به صورتی که ۸۷.۱ درصد لایه پایین طبقه متوسط از لحاظ بعد اعتقادی دین‌داری بسیار بالا ارزیابی گردیده‌اند در صورتی که این میزان برای لایه پایین طبقه متوسط ۶۳.۳ درصد و برای لایه میانی طبقه متوسط ۷۶.۵ درصد گزارش شده است.

جدول شماره ۱۶- رابطه لایه‌های طبقه متوسط و بعد پیامدی

لایه‌های طبقه متوسط					
جمع	بالا	متوسط	پایین		
۱۰.۹	۱۳.۴	۹.۷	۸.۹	بسیار کم	بعد پیامدی
۳۳.۰	۴۱.۵	۳۴.۷	۲۰.۲	تا حدودی کم	
۳۳.۳	۲۹.۳	۲۹.۸	۴۱.۹	تا حدودی زیاد	

لایه‌های طبقه متوسط				بسیار زیاد
جمع	بالا	متوسط	پایین	
۲۲۸	۱۵۹	۲۵۸	۲۹۰	
Spearman correlation				آمار توصیفی
				-۰.۲۰۰

بر اساس آزمون اسپیرمن همبستگی لایه‌های طبقه متوسط و بعد پیامدی دین‌داری همانند رابطه بعد اعتقادی محاسبه شده و رابطه ضعیف و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد به نحوی که ۵۴.۹ درصد لایه بالای طبقه متوسط و ۲۹.۱ درصد لایه پایین و ۴۴.۴ درصد لایه میانی طبقه متوسط دارای دین‌داری ضعیف در این بعد می‌باشند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از نظریه تمایز بوردیو و تفکیکی که بین انواع سرمایه قائل می‌شود ساختار طبقه متوسط بر اساس سه نوع سرمایه اقتصادی، نمادین و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور میزان هزینه خانوار به عنوان شاخص سرمایه اقتصادی، مدرک تحصیلی به عنوان شاخص سرمایه نمادین و میزان دین‌داری به عنوان شاخص سرمایه فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین دو سرمایه نمادین و سرمایه اقتصادی همبستگی متوسط و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به بحث بوردیو که سرمایه‌ای را نمادین می‌داند که قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را داشته باشد؛ یافته‌ها نشان داد که مدرک تحصیلی به عنوان شاخص سرمایه نمادین تا حد قابل قبولی در بین سرپرستان خانوار قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی را دارد. سرمایه دیگری که در این مقاله بررسی کردیم، دین‌داری به عنوان شاخص سرمایه فرهنگی است. بر اساس نظریه بوردیو عادت‌واره‌ها می‌توانند طبقه عینی را بسازند و سیستم‌های خلق و خوی مشابهی را ایجاد کنند که آن‌ها را قادر به انجام اعمال مشابه می‌کند. نمود این عادت‌واره‌ها را می‌توان در سرمایه فرهنگی و نگاه متعارضی که طبقه متوسط نسبت به بعد اجتماعی دین‌داری قائلند جستجو کرد. بر اساس نتایج به‌دست آمده در بعد اعتقادی دینی لایه پایین طبقه متوسط حجم بسیار بالایی (۹۷.۷ درصد) از دین‌داری را به خود اختصاص می‌دهد در صورتی که این میزان دین‌داری در لایه متوسط (۹۳.۲ درصد)

و در لایه بالای طبقه متوسط (۸۲.۵ درصد) می‌باشد. نزدیک بودن این نوع سرمایه در سه لایه طبقه متوسط به خاطر بالا بودن حجم کلی این سرمایه در بین این طبقه می‌باشد. بر مبنای این یافته این بعد از سرمایه فرهنگی نتوانسته تمایز معناداری را در میان طبقه متوسط ایجاد نماید اما از لحاظ بعد اجتماعی دین‌داری مسئله صورت دیگری به خود می‌گیرد. ابتدا آنکه در کلیت طبقه متوسط ۵۳ درصد از افراد این طبقه قائل به نقش دین در اداره جامعه بوده و ۴۷ درصد نیز مخالف این موضوع می‌باشند. به عبارتی در اینجا شاهد دو نوع سرمایه فرهنگی متعارض می‌باشیم که اعتقاد به یکی نفی دیگری را در پی خواهد داشت. بنابراین این بُعد از دین‌داری توانسته تمایزهای قابل توجهی را در لایه‌های این طبقه ایجاد نماید به نحوی که لایه پایین طبقه متوسط نسبت به دو لایه دیگر حجم بالاتری از بُعد اجتماعی دین‌داری را به خود اختصاص داده‌اند به صورتی که (۷۰.۹ درصد) این طبقه برای دین در اداره جامعه نقش قابل توجهی را قائل هستند در حالی که سرمایه فرهنگی سکولار در دو لایه میانی طبقه متوسط حجم بالاتری را به خود اختصاص داده و بیش از نیمی از افراد این دو لایه اجتماعی دارای این نوع از سرمایه فرهنگی می‌باشند. با توجه به موارد مطرح شده نتیجه‌گیری می‌شود که از لحاظ سرمایه فرهنگی لایه پایین طبقه متوسط همگنی بیشتری نسبت به دو لایه دیگر از خود نشان می‌دهند. همچنین می‌توان بر اساس این نوع از سرمایه فرهنگی طبقه متوسط را به دو گروه سکولار و غیر سکولار تقسیم کرد که نسبت به دو نوع دیگر سرمایه اقتصادی و نمادین کارکرد معنادارتری در تحلیل طبقه متوسط ایجاد می‌کند.

مسئله دیگری که در ارتباط با دین‌داری به عنوان سرمایه فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت بحث عرفی شدن و گرایش به سکولاریزم در میان سرپرستان خانوار طبقه متوسط بود. در ادبیات مربوط به جامعه‌شناسی دین پیوندی تنگاتنگ بین مفهوم عرفی شدن و دین‌داری وجود دارد به نحوی که استنباط ما از عرفی شدن به تعریفی که از دین‌داری ارائه می‌شود، بستگی دارد. بدین منظور ما دین‌داری را بر اساس چارچوب‌های موجود در ۴ بعد اعتقادی، عبادی، مناسکی و پیامدی مورد بررسی قرار دادیم. بر اساس نتایج به دست آمده بعد اعتقادی دین‌داری در بین پاسخگویان بالاترین میزان را در بین سایر ابعاد دین‌داری کسب نمود به صورتی که ۷۴.۲ درصد از پاسخگویان دارای بعد

اعتقادی بسیار بالایی بودند. با این حال در مورد اعتقاد به دستورات حجاب و روزه موافقت کمتری در میان پاسخگویان وجود دارد به صورتی که ۵۹.۵ درصد پاسخگویان با گرفتن روزه‌های ماه رمضان و ۴۹ درصد با رعایت حجاب موافقت کامل از خود نشان داده‌اند. با توجه به این نتایج چنانچه عرفی شدن را به معنای کاهش اعتقاد به خدا و معاد بدانیم چنین استنباطی از این تحقیق حاصل نمی‌شود ولی سایر متغیرهای تشکیل‌دهنده این بعد کاهش قابل ملاحظه‌ای را نسبت به اعتقاد به خدا و معاد نشان می‌دهند که می‌توان در مورد این متغیرها گرایش به عرفی شدن را مشاهده کرد.

بعد عبادی با دو متغیر خواندن نماز و گرفتن روزه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ۲۸.۵ درصد پاسخگویان نسبت به نمازهای واجب و ۶۶.۱ درصد نسبت به گرفتن روزه تعهد پایینی دارند. این نتایج همبستگی بالایی با دو متغیر اعتقاد به رعایت حجاب و اعتقاد به گرفتن روزه دارد. به عبارت دیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین اعتقاد به خدا و روز معاد و به‌جا آوردن اعمال مذهبی و دیگر اعتقاداتی که مرتبط با سبک زندگی فردی است وجود دارد. بنابراین می‌توان شواهدی از شخصی شدن دین را از این نتایج استنباط کرد. این نتایج با یافته‌های حاصل از تحقیق حسین پور و معمار (۱۳۹۴) هم‌راستا می‌باشد این بررسی که به صورت کیفی در بین جوانان صورت گرفته گویای آن است که دین‌داری در جوانان تبدیل به امری شخصی، غیر الزام‌آور، خصوصی و سلیقه‌ای شده است. تفسیری که با نتایج حاصله از این بررسی هم‌راستا است.

شاخص دیگری که در ارتباط با عرفی شدن مطرح می‌شود کاهش مشارکت در مناسک مذهبی است. به منظور بررسی این بعد از دین‌داری با دو متغیر شرکت در نماز جماعت و شرکت در مراسم مذهبی مورد سنجش قرار گرفت. بر این اساس ۷۷.۶ درصد از پاسخگویان مشارکت پایینی در نماز جماعت داشته و ۶۶.۶ درصد نیز مشارکت پایینی در مراسم مذهبی دارند. بنابراین بر اساس این شاخص چنانچه عرفی شدن را به معنای کاهش مشارکت در مناسک مذهبی تعریف کنیم نشانه‌های آشکار آن را می‌توان در مخاطبان این پژوهش مشاهده کرد به صورتی که این بعد ضعیف‌ترین بعد دین‌داری در بین پاسخگویان است.

مبحث دیگری که در این مقاله درصدد پاسخگویی به آن بودیم رابطه بین ابعاد

دین‌داری است. سؤال اصلی پیش روی ما در این مبحث آن بود که آیا افزایش اعتقادات و انجام فرائض دینی باعث اعتقاد بیشتری به نقش دین در اداره جامعه می‌شود؟ نتایج بررسی نشان داد که بین بعد اعتقادی دین‌داری و بعد پیامدی دین‌داری همبستگی متوسطی وجود دارد. در واقع با افزایش اعتقادات دینی اعتقاد به کارکرد دین در اداره جامعه با شدت زیادی افزایش نمی‌یابد. بیشترین همبستگی مشاهده شده بین ابعاد دین‌داری بین دو بعد عبادی و مناسکی به میزان ۰.۸۵۳ مشاهده می‌شود؛ بدان معنا که با افزایش میزان انجام فرایض دینی نماز و روزه احتمال حضور افراد در مناسک مذهبی به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. با توجه به تعاریف نظری هر دو متغیر مفهوم بعد مناسکی دین را اندازه‌گیری می‌نمایند و متناسب با اهداف تحقیق تفکیک شدند. این میزان همبستگی بالا قابل توجیه است.

یادداشت‌ها

1. contingency
2. powerlessness
3. scarcity
4. o' dea
5. Richard niebuhr
6. Church-sect
7. rey
8. transubstantiation
9. transubstantiation
10. orthodoxy
11. theodicy
12. Mckinnon
13. Bourdieu
14. Hall
15. Neitz
16. Geertz
17. Mckinnon
18. Lynch
19. Savage et al
20. Bennett et al
21. secularism
22. Glock and Stark
23. Pew
24. Mckinnon
25. Probability Proportional to Size

27. Leulfsrud
28. Bison
29. Solheim
30. Reliability
31. Validity

۳۲. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ از ۳۰۰۶۷۱۷ جمعیت شاغل استان تهران، ۱۳۹۸۸۰ بی سواد، ۳۹۴۵۵۷ ابتدایی، ۵۱۵۳۴۵ سیکل اول و راهنمایی، ۲۳۶۶۷۰ سیکل دوم و فاقد دیپلم، ۸۹۹۹۴۷ دیپلم و پیش دانشگاهی، ۸۱۴۴۲۳ تحصیلات عالی، ۵۶۶۵ دوره های تحصیلی نامشخص و ۲۳۰ اظهار نشده بوده است. بنابراین در حدود ۷۳ درصد جمعیت شاغل استان تهران دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم است که در نمونه این بررسی برحسب متغیر شغل ۴۵ درصد از شاغلین طبقه متوسط دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم بوده‌اند.

کتابنامه

- آرون، ریمون (۱۳۷۰)، مراحل اساس اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
- آوتویت، ویلیام، باتامور، تام (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی. بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، فرهنگ اسلامی و سیاسی شدن اسلام، بازتاب اندیشه، شماره ۱۰۸.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، دین‌شناسی، قم، اسراء.
- حسین پور، آرش. معمار، ثریا (۱۳۹۴)، مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دین‌داری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۶)، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- سراج زاده، حسین و همکاران (۱۳۸۳)، بررسی رابطه دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، زمستان، شماره ۴.
- سراج زاده، حسین. پویافر، محمد رضا (۱۳۸۶)، مقایسه تجربی سنجه‌های دین‌داری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳۵.
- سرایبی، حسن (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری، تهران: سمت.
- شاینر، لاری (۱۳۸۳)، مفهوم سکولار شدن در پژوهش‌های تجربی، در کتاب چالش‌های دین و مدرنیته. ترجمه و تألیف: سید حسین سراج زاده، تهران: طرح نو.
- شجاعی زند و همکاران (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت دین‌داری در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۶، سال هفتم، شماره ۲.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱.
- صدری، احمد (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی دین ماکس وبر. ماهنامه کیان. شماره ۱۳.

مرجایی، سید هادی (۱۳۸۰)، بررسی اعتقادات دینی و جهت‌گیری‌های سکولاریستی و بنیادگرایی در بین جوانان دانشگاهی، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی - مطالعات اجتماعی دین، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان.

ممتاز، فریده (۱۳۸۳)، معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲ - ۴۱، بهار و تابستان.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۳)، طبقه متوسط در ایران، مجله زمانه، سال سوم. شهریورماه، شماره ۲۴
میرزا پوری، جابر (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر دین‌داری فرزندان، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی. شماره ۳۱.

نصر، حسین (۱۳۹۰)، دین در غرب، اندیشه‌های فلسفه در ایران معاصر، کد مطلب www.ensani.ir/fa/content/107058

همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محمد ثلاثی، تهران: ثالث.

یزدانی مقدم، احود رضا (۱۳۸۴)، سکولاریسم و سکولاریزاسیون، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم، شماره ۲۲ و ۲۳.

Bennett T, Savage, M, Silva E, Warde A, Gayo-Cal M, and Wright D (2009) Culture, Class, Distinction. London: Routledge.

Bourdieu P. (1984). Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste.

Bourdieu, P. (1989). Social space and symbolic power. Sociological Theory, 7(1), 14- 25.

Geertz, C (1973) The interpretation of cultures: Selected essays. New York: Basic Books.

Guest, M (2007) 'In Search of Spiritual Capital: The Spiritual as a Cultural Resource' A sociology of spirituality in Flanagan K and Jupp P (Eds.) A Sociology of Spirituality Farnham: Ashgate, p. 181-200.

Hall, Rogohn, Mary go Neitz and Marshall Battanl. 2003. Sociology on Culture. London: Routledge.

Leiulfstrud, L. & Bison, I. & Solheim. E. (2010). SOCIAL CLASS IN EUROPE II, Department of Sociology & Political Science Norwegian University of Technology and Science, Norway and Department of Sociology and Social Research University of Trento, Italy

Lynch, G. (2012) The sacred in the modern world: A cultural sociological approach. Oxford: Oxford University Press, 2012.

MCKINNON A M (2002) 'Sociological definitions, language games, and the "essence" of religion'. Method & Theory in the study of Religion, Vol. 14, No. 1, p. 61-83.

Mckinnon, A. M. (2013) Elementary forms of the metaphorical life: Tropes at work in Durkheim's theory of the religious. Journal of Classical Sociology.

Mckinnon.andrew, (2017) Religion and Social Class: Theory and Method After Bourdieu. Social research online, 22(1).

Niebuhr, H. Richard. (1929) The Social Sources of Denominationalism. New York: Henry Holt & Co.

O'Dea, Thomas. F. (1966) American Catholic Dilemma. New York: Sheed & Ward.

Pew, (2009) The Global Middle Class Views on Democracy, Religion, Values, and Life Satisfaction in Emerging Nations, <http://www.pewglobal.org/files/pdf>

/1051.pdf

- Rey, T (2007) Bourdieu on religion: imposing faith and legitimacy. New York: Routledge.
- Savage M, Barlow J, Dickens P, Fielding T, (1995) Property, bureaucracy and culture: Middle-class formation in contemporary Britain. London: Routledge.
- Savage M, Devine F, Cunningham N, Taylor M, Li Y, Hjellbrekke J, Le Roux B, Friedman S, and Miles A (2013) 'A new model of social class? Findings from the BBC's Great British Class Survey experiment.' *Sociology* Vol. 47, No. 2 p. 219-250 Charles Y.
- Glock and Rodney Stark.(1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally and Company Translated by R. Nice, Harvard University Press.
- Turner, Jonathan H.(1998). *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.
- Weber, Max. (1963) *The Sociology of Religion*. Trans: Ephraim Fischhoff. Boston: Beacon Press.

